


هدف‌یابی تربیت تعالی نگر متناسب با ظرفیت انسان برای بندگی خدا

سید احمد رهنمایی 

دانشیار، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران. rahnamaei@iki.ac.ir

چکیده

تربیت تعالی نگر از منظر اسلام راه روشنی پیش روی انسان برای رسیدن به مقام بندگی خداوند می‌گشاید. عبودیت گوهری است که عمق درون آن، ربوبیت است. مسأله این است که تربیت تعالی نگر چگونه و بر پایه کدام مبانی، اصول و معیارهایی، برای بندگی خداوند، اهداف متناسب با ظرفیت انسان را برمی‌گزیند؟ در پاسخ به این پرسش بنیادین کوشش‌هایی مبتنی بر مبانی فقهی، فلسفی، عرفانی و کلامی صورت گرفته است. در پژوهش حاضر از منظری جدید، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی بر مبانی، اصول، روش‌ها، اهداف و معیارهای ربانی به‌مثابه چارچوب نظری تجزیه و تحلیل مسأله مورد بحث، در نظر گرفته شده است. روش پژوهش تحلیل محتوا، مبتنی بر مراجعه مکرر به قرآن و احادیث است. افزون بر بررسی اهداف آموزشی-تربیتی با ملاک‌های سه‌گانه بینشی-گرایشی- رفتاری، با نگاهی فراگیرتر، مجموعه چنین اهدافی با توجه به ملاک نیازهای امت اسلامی نیز بازشناسی شد. یافته‌ها حکایت از آن دارد که بندگی خداوند براساس دیدگاهی که اسلام ارائه می‌دهد، اوج سربلندی انسان است. هر کسی در پیشگاه خدا بیشتر بندگی کند، عزت‌مندتر و شریف‌تر است. همین نکته دست‌مایه تربیت تعالی نگر برای رساندن انسان به هدف متعالی به‌شمار می‌رود و تمامی اهداف مقدماتی و میانی تعلیم و تربیت اسلامی، وقتی از ارزش برتر برخوردار خواهند بود که، به ظهور و تحقق هدف متعالی یعنی بندگی خدا بیانجامند.

کلیدواژه‌ها: تربیت تعالی نگر، تربیت متعالی، تعلیم و تربیت.

استناد به این مقاله: رهنمایی، سید احمد (۱۴۰۲). هدف‌یابی تربیت تعالی نگر متناسب با ظرفیت انسان برای بندگی خدا. *تربیت متعالی*، ۲(۱)، ص ۷-۲۴.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۰/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۱/۰۳
ناشر: مرکز تربیت معلم مبلغ نوع مقاله: پژوهشی <https://tarbiatmotali.ismc.ir/> © نویسندگان



۱. مقدمه

در میان آفریده‌های الهی، انسان موجودی منحصر به فرد است که شایستگی، استعداد و درک لازم از مفاد وحی را دارد و حتی گاهی به چنان درجه‌ای دست می‌یابد که به مقام و منزلت نبوت می‌رسد و شایسته پذیرش وحی از سوی خداوند می‌شود. چنان که انبیای الهی و جانشینان ایشان که مأمور هدایت انسان‌ها هستند، از میان همین انسان‌ها برای جانشینی خدا روی زمین گزینش می‌شوند. خداوند در قرآن کریم به این بُعد وجودی انسان اشاره می‌کند و پیامبر اعظم (ص) را با همه شأن و منزلتی که دارد، بنده خدا و فرد انسانی مانند سایر آحاد انسانی برمی‌شمارد و می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»، بگو: من هم بشری مثل شما هستم که بر من وحی می‌شود که معبود شما، معبود یگانه است. پس، هرکس که به دیدار پروردگارش امیدوار است، کار شایسته انجام دهد و در پرستش پروردگار خویش شرک نوردد» (کهف، ۱۱۰).

پرسش اصلی این است که با توجه به ظرفیت و شأنیت انسان برای بندگی خدا، چه اهداف متعالی را می‌توان برای رسیدن او به این مقام در نظر گرفت؟ این پرسش را می‌توان در قالب چند پرسش فرعی زیر به تفکیک مورد بحث و بررسی قرار داد:

♦ گونه‌های هدف شناختی تربیت تعالی نگر کدام‌اند؟

♦ تربیت تعالی نگر با ملاک ساحت‌های بینشی تارفتاری، چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

♦ تربیت تعالی نگر با ملاک نیازهای امت اسلامی در اندیشه تحقق چه اهدافی است؟

♦ چه راهکارهایی برای پرورش روحیه بندگی خدا در جایگاه هدف تعالی نگر انسان وجود دارد؟

اراده الهی بر آن است که انسان‌ها براساس موازین ارزشی ویژه‌ای تربیت شوند، تربیتی که نتیجه آن، بندگی انسان در برابر آن کمال مطلق باشد. به عبارت دیگر، خداوند بنده‌پروری می‌کند و هدف اساسی آفرینش انسان نیز، همین بندگی است. افزون بر این، از میان همه موجودات، تنها انسان است که با برخورداری از ویژگی‌های خدادادی خود می‌تواند، بر بسیاری از موجودات عالم چیره شود و آن‌ها را مسخر خود کند. خداوند، رسالت و وضعیت موجودات جهان را به گونه‌ای تنظیم فرموده است که برخی از آن‌ها در خدمت برخی دیگر باشند. بر این اساس، بسیاری از موجودات در خدمت انسان هستند و اسباب و عوامل رشد و کمال او را فراهم می‌آورند. اسلام همه عوامل، منابع، ابزار و امکانات مورد نیاز رشد و کمال انسان‌ها را در اختیار او قرار داده است، اما انسان را تنها برای خدا می‌خواهد.

معنی واژه «بنده» در برداشت اسلام از بندگی انسان برای خدا، بسیار ظریف و حساس است. انسان مورد نظر اسلام، استعدادها و توانمندی‌های لازم را برای رسیدن به سعادت جاویدان دارد، سعادت‌تی که به

انسان، جاودانگی می‌بخشد. بالاترین مرتبه از قابلیت انسان و «عالی‌ترین نقطه کمال او» رسیدن به قرب الهی است، که در جایگاه «یک امر واقعی» از طریق هدایت به صراط مستقیم حاصل می‌گردد و برای شخص واصل، لذت‌آفرین است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۳، ص ۱۷۴).

علامه مصباح یزدی با بیان تعدادی از لذت‌های انسانی اظهار می‌دارد: «... یک سلسله لذت‌های انسانی است که خودبه‌خود و به‌طور طبیعی برای انسان‌ها حاصل می‌شود. انسان‌های متعارف و سالم در سنین خاصی، خودبه‌خود لذت‌های نامبرده را درک می‌کنند؛ ولی یک سلسله دیگر از لذت‌ها است که انسان، تنها با تلاش و جدیت خود قادر است استعداد درک آنها را پیدا کند؛ مانند لذت انس با خدا، کسب قرب و منزلت در پیشگاه الهی. اینگونه لذت‌های نوع دوم نیز در کنار نوع اول، لذت‌هایی انسانی است؛ بلکه لذات انسانی همین نوع است؛ زیرا نوع اول در حیوانات هم یافت می‌شود. ولی، این تفاوت بارز را با آنها دارند که همانند آنها خودبه‌خود و به‌طور طبیعی استعداد درک آنها در انسان شکوفا نمی‌شود. بلکه، عوامل خارجی و تلاش‌های انسانی در شکفتن آنها نقش اساسی دارند» (همان، ج ۲، ص ۱۶۸).

هدایت به صراط مستقیم را باید از خداوند متان خواستار شد؛ زیرا تنها او قادر است، انسان‌ها را در هر رتبه‌ای که هستند از پیامبران تا صدیقان، یا شهیدان و شایستگان و حتی افراد عادی را به صراط مستقیم هدایت فرماید.^۱ رابطه استعدادهای و قابلیت‌ها با اهداف، به گونه‌ای است که می‌توان از آن به رابطه قوه با فعل یاد کرد. قابلیت‌های وجودی انسان، حالت بالقوه برای نیل به اهداف هستند، در صورتی که اهداف تربیتی، حالت فعلیت یافته قابلیت‌ها می‌باشند. تصویری که اسلام از انسان ارائه می‌دهد، تصویری روشن از موجودی است که در کمال بهره‌مندی از استعدادها و خلاقیت‌ها، در پیشگاه آفریدگار خویش، سر تسلیم فرود می‌آورد و به ارزش‌های الهی پایبند است. بشر در سایه بندگی خداست که می‌تواند به آگاهی‌ها، توانایی‌ها و لذت‌های بسیار دست یابد، که نمونه‌اش را نمی‌توان در هیچ موجودی یافت. دیدگاه اسلام درباره انسان، کاملاً در جهت عکس دیدگاه مکتب‌های دیگر است که در این باره یا افراط کرده‌اند و از انسان بتی ساخته، او را تا مرز خدایی بالا برده‌اند، یا جانب تفریط را گرفته و انسان را به اندازه ماشین یا حیوان پایین آورده‌اند.

۱. «أُولَئِكَ الَّذِينَ اتَّيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ» (انعام، ۸۹)؛ «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ اِقْتَدِهْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اِجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ» (انعام، ۹۰)؛ «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶) صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» (حمد، ۷).

۲. گونه‌های اهداف تعلیم و تربیت اسلامی

از دیدگاه اندیشه اسلامی، اهداف اولیه و میانی تعلیم و تربیت عبارتند از: تربیت انسان سالم، انسان صالح و انسان سالک؛ اما هدف نهایی، تربیت انسان کامل است. در تقسیم‌بندی اهداف تعلیم و تربیت به گونه‌های یادشده، باید به این نکته توجه داشت که ممکن است اهداف اولیه و میانی گوناگون باشند، اما هدف نهایی، یکی بیش‌تر نیست. در غیر این صورت، مفهوم نهایی، بی‌معنی و بی‌ارزش می‌شود. بر این مبنا، انسان آفریده شده است تا با تکامل اختیاری و انتخابی خویش، به هدف نهایی متعالی، یعنی قرب الهی نایل آید. بدین صورت «هدف از آفرینش انسان، تکامل اختیاری اوست و تکامل اختیاری انسان از دیدگاه اسلام، تقرب به خدای متعال و سعادت معنوی و ابدی او خواهد بود. با توجه به این هدف و براساس این حکمت الهی است که همه ارزش‌های حقوقی و اخلاقی، جای خودشان را پیدا می‌کنند و اگر ما به هدف آفرینش انسان توجه نکنیم، هیچ ارزش اخلاقی و حقوقی را نمی‌توانیم ثابت کنیم» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۳، ص ۴۱۰).

بنابراین، با عنایت به هدف نهایی است که توجه به گونه‌های اهداف تعلیم و تربیت اسلامی معنا پیدا می‌کند. در واقع چنین اهدافی زمینه‌ساز رسیدن به هدف نهایی یعنی قرب الهی به‌شمار می‌روند. بر پایه روایتی از امام محمدباقر(ع)، مقربین دربار الهی از پنج روح برخوردارند: «روح قدس که با آن همه چیزها را می‌دانند؛ روح ایمان که با آن خدا را عبادت و بندگی می‌نمایند؛ روح قوه که با آن با دشمن جهاد و زد خورد می‌کنند و معاش و زندگانی را آماده می‌سازند؛ روح شهوت که با آن از طعام و نکاح لذت و بهره می‌برند و روح بدن که با آن به آهستگی و نرمی راه می‌روند» (امام زین العابدین(ع)، ۱۳۷۶، ص ۳۷).

۱-۲. انسان سالم با تأکید بر سلامت روحی - روانی

سلامتی مانند امنیت، یکی از نعمت‌های بزرگ الهی است که ارزش هر دوی آن‌ها بسیار ناشناخته است (فتال نیشابوری، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۷۲).^۱ اینکه می‌گویند «عقل سالم در بدن سالم است»، یعنی اینکه افزون بر ابعاد دیگر سلامت، سلامت جسمانی نیز، جز اهداف اولیه تعلیم و تربیت است. در واقع، تلاش برای تأمین سلامتی و مراقبت از آن، از ابتدایی‌ترین و در عین حال مهم‌ترین اهداف تعلیم و تربیت است. در راستای تحقق این هدف مهم تربیتی، مربی باید فراگیر را به انجام اموری چون خودآغازی، خودمروزی، خویشن‌یابی، خویشن‌بانی و خویشن‌سازی تشویق کند و در صورت نیاز، او را تقویت و

۱. این مطلب به روایتی از پیامبر اکرم(ص) اشاره دارد، که فرمودند: «بِعَمَّتَانِ مَجْهُولَتَانِ الْأَمْنُ وَ الْعَاقِبَةُ» (فتال نیشابوری، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۷۲).

پشتیبانی نماید.^۱ فراگیر همچنین باید - افزون بر خویشتن‌بانی - از ظلم به خویشتن و خسارت‌رسانی به خود پرهیز کرده، همه تلاش خود را به کار بندد که هرگز کاری برخلاف مصالح خویش انجام ندهد و از راه سعادت به بی‌راهه نرود.

۲-۲. انسان صالح

تربیت انسان صالح (انسان شایسته از هر لحاظ) را باید یکی از اهداف تعلیم و تربیت اسلامی برشمرد. پیرو این هدف، انسانی که به شایستگی‌هایی در وجود خویش پی برده است، می‌تواند یک الگوی تربیتی مناسب برای دیگران باشد. چنین انسانی در پرتو ارشاد یافتگی، ره یافتگی، هدایت یافتگی و داشتن شایستگی‌های لازم، این آمادگی را پیدا می‌کند که سرمشق دیگران باشد؛ الگوی آشکار برای ارشاد و هدایت دیگران قرار بگیرد و از همین راه، دست دیگران را بگیرد، تا آن‌ها را به اهداف تربیتی بالا برساند. از این منظر، انسانی که بناست معلم و مربی دیگران باشد، نخست باید خویشتن را اصلاح کرده باشد و به مرتبه صالحین رسیده باشد تا شایستگی اصلاح دیگران نصیبش گردد. اهمیت و ارزش اصلاح خویشتن به اندازه‌ای است که براساس روایات معصومین (ع)، ناتوان‌ترین انسان کسی است که از اصلاح خویشتن ناتوان باشد^۲ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۶). افزون بر این، آن کسی که خویشتن را پیشوای مردم می‌داند، لازم است، نخست و قبل از آنکه به دیگران یاد دهد چه کند و چه نکنند، به خودش یاد دهد که چه باید و چه نباید کرد. «قَالَ امير المؤمنين الامام علي (ع): مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ اِمَامًا - [فَعَلَيْهِ اَنْ يَبْدَأَ] فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيْبُهُ بِسِيْرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيْبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا اَحَقُّ بِالْاِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛ هر کسی که خویشتن را پیشوای مردم قرار داد، لازم است قبل از تعلیم دیگران به تعلیم خویش پردازد و قبل از تأدیب دیگران به زبان، با سیرت و رفتار خود دیگران را ادب آموزد. کسی که (بیش و پیش از همه) معلم و مربی خویش باشد، به جلالت شأن سزاوارتر از کسی است که معلم و مؤدب مردم است (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۰). آن حضرت همچنین فرمودند: «أَفْضَلُ الْأَدَبِ مَا بَدَأَتْ بِهِ نَفْسُكَ»؛ بهترین ادب آن است که از تأدیب خویش آغاز کنی» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۲۲).

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَصْرُكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (مانده، ۱۰۵).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا فُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِبَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَتَّعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم، ۶).

۳. «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ تَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (صف، ۱۱).

۴. «أَعَجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنْ إِصْلَاحِ نَفْسِهِ».

۳-۲. انسان سالک

سومین هدفی که می‌توان برای تعلیم و تربیت اسلامی در نظر گرفت، تربیت انسان سالک است. مقام عرفانی سلوک مرحله آمادگی کامل برای سیر الی‌الله است. سلامتی فکری و صلاحیت شخصیتی سالک از جمله لوازم توفیق سالک در این سیر الهی است. علامه جوادی آملی، ضمن طرح «نقشه راه سالک در قوس صعود»، اظهار می‌دارد: «انسان سالک کوی حق دارای همه خصوصیت‌های لازم برای اصل پویایی اولاً و برای پیمودن نیمه اول راه ثانیاً و طی کردن نیمه دوم راه ثالثاً و دریافت نتیجه طی طریق طولانی قوس صعود را با لقای الهی رابعاً دارا است» (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۳۲-۳۳۴). انسان سالک از نگاه تربیت اسلامی، یعنی شخصی که به حرکت در راهی که اسلام به مثابه سیر و سلوک معنوی پیش روی او ترسیم کرده است، ملتزم بوده و در انتخاب سبک زندگی اسلامی بر پایه عرفات الهی و معنویت راستین، متعهد باشد. بنابراین، انسان سالک به پشتوانه شایستگی‌هایی که در وجود خود کشف کرده است، با پیروی از مقام توحید و ولایت، در پرتو نور خدا، معرفت‌افزایی می‌کند و با حرکت در مسیر راهنمایان الهی، هر روزش را بهتر از دیروزش می‌یابد. اسلام هرگز نمی‌پذیرد که دو روز فرد با ایمان یکسان باشد، بلکه هر روز وی باید بهتر از روز گذشته‌اش باشد. سالکان راه حق با سیر و سلوک خاصی که از سیره معصومین و اولیاء الهی فرامی‌گیرند، راه خود را به سوی فرجامی کمال‌آفرین و سعادت‌بخش روشن و هموار می‌سازند و از این‌رو اسوه شایسته‌ای برای دیگران می‌گردند. انسان سالک این نکته را همواره آویزه گوش خود ساخته است که نگذارد امروزش بدتر از دیروز، یا حتی مساوی دیروزش باشد، بلکه تلاش می‌کند تا امروزش بهتر از دیروزش باشد. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «مَنْ اسْتَوَى يَوْمًا فَهُوَ مَغْبُوتٌ وَ مَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِيهٍ خَيْرًا مِمَّا فَهُوَ مَغْبُوتٌ وَ مَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِيهٍ شَرًّا مِمَّا فَهُوَ مَلْعُونٌ وَ مَنْ لَمْ يَرِ الزَّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ فَهُوَ إِلَى النُّقْصَانِ وَ مَنْ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ؛ هر آنکه دو روزش مساوی باشد، زیان‌دیده است و کسی که روز پسینش بهتر از روز پیشینش باشد، باید به حالش غبطه خورد و کسی که روز پسینش بدتر از روز پیشینش باشد، نفرین شده است و کسی که در وجود خویشتن افزونی نیابد، وی رو به کاستی است و کسی که رو به کاستی باشد، مرگ برایش بهتر از زندگانی است (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۴۲). اینها همه از شاخص‌های انسان سالک است که تحت تأثیر فرایندی منظم از تعلیم و تربیت رخ می‌دهد.

۴-۲. انسان کامل

چهارمین هدف تعلیم و تربیت اسلامی، تربیت انسان کامل است. کمال انسان به بندگی خداوند وابسته است. برای رسیدن فراگیر به مقام بندگی خداوند، لازم است مربی، حساسیت فراگیر را نسبت به یک سلسله از امور به طور کاملاً مثبت برانگیزد. این امور، عبارتند از: شناخت کامل خداوند، خشیت

کامل از مقام و شأن خداوند، ادب کامل در پیشگاه خداوند، بندگی کامل برای خداوند، عشق کامل به خداوند، امید کامل به عنایت‌های الهی، توکل کامل بر ذات الهی، استقامت کامل در راه خداوند و پایداری کامل بر عهدی که انسان با خداوند بسته است. انسان کمال یافته، انسانی است که همه اهداف سه‌گانه سلامت، سلوک و تعالی را پشت سر گذرانده باشد و به حالتی از رضایت و آرامش کامل برسد. چنین فردی به مقام عالی بندگی خداوند دست یافته، که این خود نشانه آشکار کمال یافتگی است. انسان کامل، در این صورت، از همه نگرانی‌ها رها شده و به بهشت خدا - که همان رضوان الهی است - وارد می‌شود.^۱

ویژگی‌ها و برجستگی‌های انسان کامل را باید در قرآن و روایات و سیره معصومین (ع) جستجو کرد. در زندگانی و سیره معصومین (ع) همواره شاخص‌هایی برای کمال و معرفی انسان کامل یافت می‌شود. آن بزرگواران که خود انسان‌های کاملی بودند، با سیره و رهنمودهای نورانی‌شان خط‌مشیء کمال و رسیدن به مقام انسان کامل را به روشنی ترسیم فرموده‌اند و چراغ فروزانی پیش‌روی انسان‌ها برای نیل به کمال ذاتی و نهایی روشن ساخته‌اند. کتاب «انسان ۲۵۰ ساله»، حاوی بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی - مبارزاتی ائمه معصومین (ع)، نمونه اثری است که زندگی و سیره جهادی - سیاسی چهارده معصوم (ع) را به مثابه یک خط و یک جریان ممتد از سال ۱۱ تا سال ۲۶۰ هجری قمری مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است و از این منظر، تصویری از یک انسان کامل را با تمرکز بر ساحت سیاسی - جهادی معصومین به تصویر کشانده است. به فرموده مقام معظم رهبری: «این بزرگواران یک واحد، و یک شخصیت هستند. شک نمی‌شود کرد که هدف و جهت آنها یکی است. پس ما به جای اینکه بیایم زندگی امام حسن مجتبی (ع) را جدا و زندگی امام حسین (ع) را جدا و زندگی امام سجاد (ع) را جدا تحلیل کنیم - تا احياناً در دام این اشتباه خطرناک بیافتیم که سیره این سه امام به خاطر اختلاف ظاهری با هم متعارض و مخالف هستند - باید یک انسانی را فرض کنیم که ۲۵۰ سال عمر کرده، و در سال یازدهم هجرت قدم در یک راهی گذاشته و تا سال ۲۶۰ هجری این راه را طی کرده است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰، ص ۱۶).

افزون بر این، معصومین (ع) با توجه به ظرفیت و گنجایشی که انسان‌ها در راستای نیل به کمال‌نشان دارند، رهنمودهایی در خصوص کمال انسانی ارائه فرموده‌اند. از جمله، بنا بر فرموده امام محمدباقر (ع): «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَتَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲). براساس این سخن، سه کار مهم یعنی تفقه در دین، صبر بر ناگواری‌ها و موازن‌سازی زندگانی از جمله شاخص‌ها و عوامل زمینه‌ساز کمال به‌شمار می‌روند. تزکیه و تهذیب نفس برای همین منظور صورت

۱. اشاره به آیات کریمه: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ اذْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَأَدْخُلِي جَنَّتِي» (فجر، ۲۷-۳۰).

می‌پذیرد که انسان به کمالاتی که سزاوار است، نایل گردد؛ تا آنجا که به نقل روایات، برای انسان پاکدامن پاداشی همسان پاداش مجاهدان شهید در راه خدا و منزلتی هم‌رتبه فرشتگان در نظر گرفته شده است: «قَالَ امیرالمؤمنین (ع): مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ؛ مجاهد شهید در راه خدا اجرش بزرگ‌تر از کسی نیست که با وجود توانایی بر نافرمانی خداوند، پاکدامنی بورزد. انسان پاکدامن نزدیک است که فرشته‌ای از فرشتگان خدا گردد» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۵۹).

در هر صورت، جایگاه انسان کامل، بالاتر از آن است که به وصف درآید. خلاصه اینکه «انسان کامل و مؤمن با تقوا که در صف اولیاء درآید، در اثر کمال علم و تجرد او از این عالم توجه به عالم قدس خواهد نمود» (حسینی همدانی نجفی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۰۷). انسان‌های کامل چه بسا در پیشگاه الهی به جایگاهی از رشد و تعالی برسند که «حکم و قدرت آنان در عالم ملک و ملکوت جاری و نافذ خواهد بود» (همان).

۳. پرورش روحیه بندگی خدا در جایگاه هدف متعالی انسان

اسلام از انسان، بنده خدا می‌پروراند. این بندگی، باطنی بس ژرف و بی‌نهایت دارد که در بیان نمی‌گنجد. بندگی - چنانکه در روایت‌ها آمده - گوهری است که عمق درونش، ربوبیت است. انسان از راه بندگی به مقام قرب الهی می‌رسد و همه وجودش خدایی می‌شود. اوج بندگی، انسان را تا ملکوت اعلاء سیر می‌دهد و به او چنان بصیرت می‌بخشد که جز خدا، هیچ چیز دیگر را نمی‌بیند. اینها و حقیقت‌های بسیار عالی‌تر، همه در فرهنگ تعلیم و تربیت اسلام، معنی و مفهوم می‌یابد. خداوند که بهترین معلم و مربی بشر است، اراده فرموده است انسان را براساس موازین ارزشی ویژه‌ای تربیت کند؛ که نتیجه آن، بندگی انسان در برابر آن کمال مطلق باشد. به عبارت دیگر، خداوند بنده‌پروری می‌کند و هدف اساسی آفرینش انسان نیز، همین بندگی است. اکنون باید بدانیم مراد اسلام از «بندگی» انسان برای خداوند چیست؟ و معنی واژه «بنده» در عبارت‌هایی مانند «انسان بنده خداست»، «بشر باید برای بندگی کردن تربیت شود» و «اساساً آدمی برای بندگی کردن آفریده شده است تا به این وسیله خدای خویش را بشناسد و بنده او باشد»، چیست؟ برداشت اسلام از بندگی انسان برای خدا، بسیار جالب و در عین حال ظریف و حساس است. بندگی - براساس دیدگاهی که اسلام ارائه می‌دهد - اوج عزت و سرافرازی انسان است؛ به این مفهوم که هر کسی در پیشگاه خدا بیشتر بندگی کند، عزتمندتر و شریف‌تر است. با توجه به این دیدگاه، باید دید بندگی کردن برای خدا چه ویژگی دارد که انسان در عین بنده بودن،

صاحب شرافت، کمال و بزرگواری می‌شود. براساس سخنان و رهنمودهای امامان معصوم (ع)، بندگی اوج عزت انسان است. امام زین‌العابدین (ع) در مناجات خویش در پیشگاه خدای متعال، چنین اظهار می‌دارند: «إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا؛ خدایا! مرا این عزت بس است که برای تو بنده باشم» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۲۰).

از این عبارت چنین برداشت می‌شود که اگر واقعاً کسی به این حقیقت دست یابد، بندگی او در پیشگاه خدا اوج عزت اوست. چنین شخصی بی‌شک بسته به ظرفیت بندگی خویش به مقام شرافت و بزرگواری می‌رسد، چنان که معصومان (ع) که کامل‌ترین انسان‌ها هستند، به مقام بندگی و اوج سرافرازی و بزرگی رسیده‌اند. بندگی، باطنی بس ژرف دارد، از این‌رو، انسان به ظاهر در برابر موجودی که شایسته پرستش است، گرنش می‌کند؛ اما در واقع با این کرنش، اوج می‌گیرد و به ملکوت اعلی می‌رسد. بندگی - به تصریح برخی روایات - حقیقت و عمقی خاص دارد که انسان را تا پیشگاه خدا بالا می‌برد و شخصیت انسان را تعالی می‌بخشد، امام صادق (ع) می‌فرماید: «الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهَهَا الرَّبُوبِيَّةُ؛ بندگی خدا، گوهری است که اساس آن ربوبیت است (امام جعفر صادق (ع)، ۱۴۰۰، ص ۵).

درک مقام ربوبیت، به‌خودی‌خود، توجه انسان را به جایگاه والای خداوند در نظام هستی و ویژگی‌ها و کمالات الهی در تدبیر، مدیریت، تربیت و هدایت آفریده‌ها - از جمله انسان - معطوف می‌کند. در این صورت انسان براساس معرفتی که به پروردگار خود پیدا می‌کند، به طور طبیعی و با کششی معنوی به بندگی خداوند هدایت می‌شود. حال اگر روایت به این صورت ترجمه شود که «بندگی، گوهری است که حقیقت و باطنش ربوبیت است»، ممکن است برداشت دیگری از روایت ارائه شود و آن اینکه اگر انسان به مقام بندگی حقیقی خداوند برسد، به چنان منزلتی دست خواهد یافت که کارهای خدایی از او سرزند. در این صورت این پرسش پیش می‌آید که به راستی «حقیقت عبودیت، ربوبیت است»، به چه مفهومی است؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، به یک حدیث قدسی اشاره می‌شود که از امام محمدباقر (ع) نقل شده است که خداوند متعال می‌فرماید:

«... مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَزْصَدَ لِمِحَارِبَتِي وَ مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدٌ بِمِثْلِ مَا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالْإِفْلَاقِ حَتَّى أَجِبَّهُ فَإِذَا أَجَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَ رِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا إِنْ دَعَانِي أَجَبْتُهُ وَ إِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ؛ هرکس به ولی من اهانت کند، گو اینک برای جنگ ضد من به کمین نشسته است. بنده من، به هیچ وجه جز از راه انجام دادن آنچه بر او واجب کرده‌ام، به من نزدیک نخواهد شد و همو هنگامی که به نافله ملتزم گردید، آنچنان به من نزدیک می‌شود که او را دوست دارم، پس آنگاه که او را دوست داشتیم، گوشش می‌شوم که به کمک آن بشنود، چشمش می‌شوم که با آن ببیند، دستش

خواهم شد که با آن قدرت‌نمایی کند و پایش می‌شوم که با آن گام بردارد. اگر او مرا بخواند، پاسخش را خواهم داد و اگر از من چیزی طلب کند، به او عطا خواهم کرد» (کوفی اهواز، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲).

به بیان دیگر، در تفسیر حدیث فوق می‌توان چنین گفت که اگر بنده خالص و مخلص خدا با التزام به واجبات و با پایبندی به مستحبات بتواند خودش را به خدا نزدیک کند، خداوند به او چندان پیشرفت و کمال می‌دهد و چنان جایگاهی روزی‌اش می‌گرداند که می‌تواند چشمش، چشم خدا باشد، دستش، دست‌های خدا و وجودش، وجود خدا شود و همان کاری را که خدا از او انتظار دارد، انجام دهد. یعنی انسان در مقام بندگی، هرچه پیشرفته‌تر باشد، به خدا نزدیک‌تر است و هرچه به خدا نزدیک‌تر باشد، بیشتر می‌تواند کارهای الهی را انجام دهد. مقام بندگی خداوند چندان بالاست که خداوند از اهل ایمان خواسته است در نمازشان، پیش از شهادت به رسالت پیامبر، به بندگی او برای خداوند شهادت دهند.

خداوند در نخستین آیه از سورهٔ اِسراء، آیه ۴۱ سورهٔ انفال و...، پیامبر را بنده خود معرفی می‌نماید؛ بنابراین، درمی‌یابیم که حقیقت و باطن عبودیت، ربوبیت است به این مفهوم است که انسان، تنها با بندگی خدا به این مقام می‌رسد که می‌تواند کارهای خدایی انجام دهد و به اخلاق الهی متخلق و مزین شود. با تأمل در مضامین آیات قرآن و روایات اهل‌بیت(ع) در خواهیم یافت که گوهر گران‌بهای وجود انسان، تنها زمانی به دست می‌آید که انسان در اوج بندگی خدا قرار گیرد. اوج بندگی، انسان را به جایی می‌رساند و او را صاحب چنان بصیرتی می‌کند که به جز خداوند، هیچ چیز دیگری را نبیند. در این حال حقایقی بسیار عالی‌تر از آنچه در اطرافش مشهود است، به او نشان داده می‌شود. همهٔ این درجات انسانی در فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی، تفسیر شدنی است. درک این حقایق، چه‌بسا برای خیلی‌ها سنگین باشد، اما اگر افراد براساس آموزه‌های اسلام تربیت شوند و در مسیر بندگی قرار گیرند، آن‌ها را به دیدهٔ یقین می‌بینند. درک این حقیقت‌ها، دانش و کلاس رسمی نمی‌خواهد، بلکه علم حال، عشق و بندگی می‌خواهد:

«علم رسمی سر به سر قیل است و قال/ نه از او کیفیتی حاصل، نه حال»

معرفت داشتن، لازمهٔ درک این حقیقت‌ها است. چه‌بسا يك انسان بی‌سواد یا کم‌سواد، بسیار زودتر از يك انسان فرهیخته و دانشمند به این معانی و کشف این حقایق برسد. درس و کلاس درک این معانی، از سنخ درس‌ها و کلاس‌های دیگری است و با درس‌های روزمره نمی‌شود این حقیقت‌ها را کشف کرد. انسان باید دل به خدا بسپارد، تا خداوند هم او را در این مراحل کمک کند.

۴. اهداف آموزشی - تربیتی به ملاک ساحت‌های بینشی، گرایشی و رفتاری

این اهداف به پشتوانهٔ اهداف چهارگانهٔ پیش گفته، معنی و اعتبار می‌یابند. به این ترتیب برای تأمین و

تدارك اهداف مزبور برحسب ابعاد بینشی، گرایش و رفتاری باید به لوازم زیر پایند بود:

۱) مربی دریابد که فراگیر به طور جدّ به تحقق اهداف تعلیم و تربیت در زمینه‌های بینشی، گرایش و رفتاری نیاز دارد، تا سلامتی، شایستگی، سعادت و کمال خویش را تضمین و تأمین کند؛

۲) فراگیر بفهمد که تدارك اهداف بینشی، گرایش و رفتاری، او را در رفع نیازهای چهارگانه بالا یاری می‌رساند؛

۳) امکانات اعطای بینش لازم، ترسیم گرایش مطلوب و ارائه الگوی رفتاری مناسب، به‌خوبی فراهم باشد؛

۴) همگرایی لازم میان سه بعد بینشی، گرایش و رفتاری از یک‌سو و زمینه‌های تحقق اهداف چهارگانه مورد نظر از سوی دیگر، محسوس باشد؛

۵) اهداف آموزشی - تربیتی به گونه‌ای گزینش شوند که در زمینه‌سازی برای تحقق سعادت دنیا و آخرت فراگیران تأثیرگذار باشد.

در حقیقت، «قرآن کریم نخست انسان را از جهت عقلی و بینشی سیراب ساخته است؛ سپس انگیزه‌های قلبی او را در مسیر آنها جهت می‌بخشد، تا انسان در پی تلاش و جهاد در راه خدا برآید و آنگاه به اهداف نهایی نایل می‌سازد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ب، ص ۴۴).

۴-۱. اهداف بینشی

همه چیزهایی که معلم و مربی برای بینش‌دهی و بینش‌افزایی به فراگیر و بالا بردن سطح دانش و بینش او انجام می‌دهد، از جمله اهداف بینشی است. اهداف بینشی در هر زمینه‌ای، متناسب با آن زمینه تعیین می‌شوند و مورد پیگیری قرار می‌گیرند. برای نمونه، در زمینه فردی، شناخت خویش، خودآگاهی، شناخت هدف زندگی، شناخت راهی که باید برای رسیدن به سعادت سپری شود و... بخشی از اهداف بینشی تعلیم و تربیت است. در زمینه اجتماعی نیز، شناخت روحیه هم‌نوعان، شناخت راه‌های تعامل بهتر با آنان، شناخت آثار فعالیت‌های اجتماعی و آشنایی با ویژگی‌های زندگی اجتماعی و... بخش دیگری از اهداف بینشی را تشکیل می‌دهند. در زمینه معنوی و دینی هم، خداشناسی، شناخت راهنمایان الهی، شناخت حقیقت‌های دینی و مذهبی و... نمونه‌هایی از اهداف بینشی‌اند. بینش دینی و معنوی هرچند در مقام بحث و نظر به گونه‌ای در ردیف سایر عرصه‌های بینشی قرار می‌گیرد، اما در حقیقت و از منظر مکتب تربیتی اسلام، انسان مؤظف است بینش دینی و معنوی را بر کل ساختارها و محتوای بینشی خود حکم‌فرما سازد و به مدد نور و بصیرت دینی رفتار کند، تا گرفتار انواع چالش‌ها و نابسامانی‌های فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی نگردد.

۲-۴. اهداف گرایشی

بخشی از خدمات و فعالیت‌های تربیتی، به اموری اشاره دارد که به صورت گرایش‌های فطری و غریزی در وجود انسان قرار داده شده‌اند. گرایش به سعادت، کمال، دانایی و توانایی، هنر و زیبایی، پاکی و صداقت، انصاف، عدالت و... نمونه‌ای از گرایش‌هایی است که فطری محسوب می‌شوند و تعلیم و تربیت در ایجاد آن‌ها نقشی ندارد؛ اما در تبیین چیستی و بیان اهمیت و ارزش و ارائه راهکارهای تقویت آن‌ها نقش ایفا می‌کند. میل و گرایشی در وجود انسان وجود دارد که او را به انجام کارها و می‌دارد و او هرگز در انجام آنچه مقتضای میل و گرایش فطری او است، تردید نمی‌کند و لحظه‌ای هم انجام آن را به تأخیر نمی‌اندازد؛ مگر اینکه خواسته‌های او با هم تراحم پیدا کند و چند میل و گرایش، همزمان بروز نماید و در مقدم داشتن یکی، گرایش دیگر فعلاً بی‌پاسخ بماند؛ مانند اینکه هم تمایل به انجام عملی لذت دارد و هم خواهان آسایش و استراحت؛ ولی چون آن عمل لذت‌آفرین خستگی می‌آورد و انرژی می‌طلبد، لذا [فرد] به تن‌آسایی روی می‌آورد و میل به آسایش را ترجیح می‌دهد. بسیاری از افرادی که در پی آسایش و رفاه هستند، در واقع این گرایش را دنبال می‌کنند؛ اما افراد ماجراجو و پرتلاش در پی تأمین خواسته‌های لذت‌آفرین خود به استراحت پشت کرده، این میل خود را دنبال می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۹۶).

آیاتی از قرآن با بیانات گوناگون، گرایش فطری انسان به حق را در قالب گرایش فطری به دین و ایمان حق ترسیم فرموده‌اند و راه درست بهره‌برداری از چنین گرایشی را به انسان می‌نمایند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۱۱ و ۳۸۹؛ ج ۲، ص ۱۲۲؛ ج ۵، ص ۱۸۶). در واقع، قرآن کریم در راستای هدایت و تجمیع گرایش‌های انسان در جهت توحیدی، ضمن جلب نظر انسان به وجود فطرت گرایش به حق و تعیین عالی‌ترین مصداق گرایش به حق، یعنی گرایش به خدا، بر وجود و اهمیت نقش چنین گرایش فطری در تربیت تعالی‌نگر تأکید می‌ورزد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، الف، ج ۱، ص ۲۵۳-۲۵۲).

۳-۴. اهداف رفتاری

در برخی موارد، تعلیم و تربیت به رفتارهایی اشاره دارد که فراگیران برای تأمین اهداف کلان، یا برای دستیابی به هدف نهایی تعلیم و تربیت باید به آن‌ها پایبند شوند. ایجاد عادت‌های رفتاری پسندیده یا زمینه‌سازی برای ترک عادت‌های رفتاری ناپسند، از جمله چیزهایی است که در طبقه‌بندی اهداف، جزو اهداف رفتاری قرار می‌گیرند. این دسته از اهداف، طیفی گسترده از رفتارها - یا به تعبیر جامع‌تر - دامنه‌ای گسترده از بایدها و نبایدها را پوشش می‌دهند که مشتمل بر فعالیت‌های رفتاری ساده و ساده‌تر (مانند

خوردن، کار کردن و خوابیدن) تا فعالیت‌های رفتاری برجسته و برجسته‌تر (مانند ادای واجبات دینی و مذهبی) است. با این وصف، «برای اینکه در اعمال و رفتار خود گام درست برداریم، باید در مقام توجه به نفس، همه سونگر باشیم، همه ابعاد نفس را در نظر بگیریم و در اعماق روح و روان خود، همه جهات و شئون نفس را مورد توجه قرار بدهیم» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۲، ص ۹۶).

۵. اهداف آموزشی - تربیتی به ملاک نیازهای امت اسلامی

اسلام، برای تشکیل امت اسلامی و زندگی اجتماعی مسلمانان، اعتباری ویژه قائل شده، از این رو به اقتضانات و نیازمندی‌های چنین تشکلی نیز، بسیار توجه کرده است. برای تأمین این نیازها - با در نظر گرفتن این اقتضانات - لازم به نظر می‌رسد، تشکل مزبور افزون بر سازگاری با مبانی و اصول تعلیم و تربیت اسلامی، با اهداف تعلیم و تربیت اسلامی نیز هماهنگ باشد. در غیر این صورت، جامعه اسلامی از تعلیم و تربیت اسلامی فاصله می‌گیرد و در جنبه تعلیم و تربیت سکولار گرفتار می‌شود. اهداف تربیتی متناظر به نیازهای امت اسلامی، آن دسته از ارزش‌هایی را دربرمی‌گیرد که مصالح عمومی امت اسلامی را تأمین می‌کند و چیزی برخلاف آن مصالح ارائه نمی‌دهد. ارزش‌هایی چون قیام برای ایجاد و گسترش عدالت،^۱ تنظیم روابط عمومی سالم،^۲ ایجاد امنیت پایدار،^۳ همزیستی مسالمت‌آمیز، مراقبت از کیان و آبروی امت اسلامی،^۴ تلاش برای حل مشکلات و رفع گرفتاری‌های جوامع اسلامی، هم‌پاری در ترویج پاکی‌ها و شایستگی‌ها و مبارزه با مفسد و ناپاکی‌ها،^۵ اهتمام به زندگی خانوادگی منسجم و سرشار از آرامش،^۶ حفظ

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوُوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء، ۱۳۵)

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مانده، ۸)

۲. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات، ۱۰)

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (بقره، ۲۰۸)

۴. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّمَّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثُرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران، ۱۱۰)

۵. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحِلُّوا سَعَايَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَنْتَعُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مانده، ۲)

۶. «وَمِن آيَاتِهِ أَن خَلَقَ لَكُمْ مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم، ۲۱)

موازنه مناسب و مقتضی در رویارویی با دشمنان، مشارکت در امور خیریه همگانی و...، از جمله اهداف تربیتی هستند که متناسب با نیازهای اجتماعی، مریبان به آنها توجه می‌کنند. با این وجود، نظامنامه تربیت تعالی نگر ایجاب می‌کند، پژوهنده کنش‌گرا بر پایه جهان‌بینی الهی، نظام ارزشی دینی را برگزیند و توجهش به اهداف متعالی اخروی را نیز ارتقاء بخشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲ الف، ص ۲۸۳).

۶. نتیجه‌گیری

تناسب مابین ظرفیت‌های وجودی انسان و اهداف تعلیم و تربیت به معنای ارتباط و هماهنگی بین این دو عنصر است. در این تناسب، ظرفیت‌های انسان شامل توانمندی‌ها و استعداد‌های فردی در ساحت‌های بدنی، عاطفی، اعتقادی و اجتماعی هستند که برای یادگیری و تربیت لازم است که در فرایند تعلیم و تربیت در نظر گرفته شوند. اهداف تعلیم و تربیت شامل رشد و تعالی دانش، مهارت‌ها و ارزش‌های فردی و اجتماعی است که از طریق نیل به آنها دسترسی به هدف متعالی و نهایی میسر می‌گردد. تناسب مابین دو عنصر مزبور به این معناست که برنامه‌ها و فعالیت‌های تعلیم و تربیت باید با ظرفیت‌های انسانی هر فرد سازگاری داشته باشند. به عنوان مثال، اگر یک فرد دارای استعداد‌های هنری است، باید برنامه‌های آموزشی - تربیتی به گونه‌ای باشد که این استعداد هنری را رشد و گسترش دهد و او را در این زمینه یاری کند. از طرفی، باید بین برنامه‌ها و فعالیت‌های تعلیم و تربیت با نیازمندی‌های هر فرد نیز سازگاری وجود داشته باشد. مثلاً اگر یک فرد دارای نیازهای اجتماعی است، باید برنامه‌ها و فعالیت‌هایی در نظر گرفته شود که او را در فرایند اجتماعی سازگاری دهد و نیازهای او را تأمین کند. افزون‌بر این، برنامه‌ها و فعالیت‌های تعلیم و تربیت باید با اهداف تعلیم و تربیت نیز همخوانی داشته باشند. بر این اساس، چنانچه هدف تعلیم و تربیت توسعه دانش و مهارت‌ها است، باید برنامه‌ها و فعالیت‌ها بر این اساس طراحی شوند و به تقویت این ابعاد متمرکز شوند. به طور کلی، تناسب مابین ظرفیت‌های وجودی انسان و اهداف تعلیم و تربیت می‌تواند، به بهبود فرایند یادگیری و تربیت فرد کمک کند، تا وی بیشترین استفاده را از ظرفیت‌های موجود خویش ببرد و به بهترین شکل ممکن رشد و گسترش یابد.

اسلام به عنوان یک دین جهانی و به‌مثابه یک طرح و برنامه جامع زندگی، توجه ویژه‌ای به تعلیم و تربیت انسان و اهداف آن، به ویژه هدف متعالی نهایی مترتب بر آن مبذول داشته است و در همین راستا، رهنمودهای لازم را برای رشد و تعالی انسان تا رسیدن به مقام قرب الهی به بهترین شکل ممکن ارائه می‌دهد. اسلام، ضمن تأکید بر رشد و گسترش دایره دانش و مهارت‌ها به صورت شبکه‌ای، در ابعاد بینشی و گرایش و کنشی، به تربیت معنوی و اخلاقی انسان توجه خاصی معطوف می‌دارد، تا هر فردی با سعی و

تلاش وافر خویش، در راستای رسیدن به قلّه کمال، از دانش و مهارت‌های مزبور بهترین بهره‌برداری را بنماید. بیش از هر چیز، اسلام بر مراعات اصول ارزشمندی نظیر عدالت، انصاف و توازن تأکید می‌ورزد تا همه افراد بتوانند به بهترین شکل ممکن تعالی یابند و هیچ‌کس از قابلیت برای رسیدن به رشد و کمال انسانی - الهی محروم نماند.

— منابع —

قرآن کریم

نهج البلاغة (للصیحی صالح)، ۱۴۱۴ق.

آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶). شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم. محقق و مصحح:

سید جلال‌الدین حسینی ارموی. تهران: دانشگاه تهران، ج ۶.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). النخصال. مصحح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین، ج ۲.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار. مصحح علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

امام زین‌العابدین (ع)، علی بن الحسین (۱۳۷۶). الصحیفة السجادية. ترجمه و شرح علی نقی فیض الإسلام؛ محقق و مصحح: عبدالرحیم افشاری زنجانی. تهران: فقیه.

امام صادق (ع) (۱۴۰۰ق). مصباح الشریعة. بیروت: اعلمی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). تحریر رساله الولاية شمس الوحي تبریزی. قم: اسراء، ج ۲.

حسینی همدانی نجفی، محمد (۱۳۶۳). درخشان پرتوی از اصول کافی. قم: چاپخانه علمیه، ج ۲.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰). انسان ۲۵۰ ساله. تهران: مؤسسه جهادی.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۱). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: اسماعیلیان، ج ۱-۲، ۵.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۴۰۶ق). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ج ۲.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: اسلامیة، ج ۱.

کوفی اهواز، حسین بن سعید (۱۴۰۴ق). المؤمن: قم: مؤسسة الإمام المهدي (ع).

لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. مصحح: حسین حسینی بیرجندی. قم: دار الحدیث.


مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲الف). رابطه علم و دین. نگارش علی مصباح. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲ب). قرآن‌شناسی. نگارش غلامعلی عزیزی‌کیا. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۲.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱الف). اخلاق در قرآن. نگارش اسکندری، محمدحسین، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱-۳.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ب). پند جاوید. نگارش علی زینتی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۲.

تحدید هدف التریبة المتعالیة الملائمة مع قدرة الإنسان علی عبادة الله

سید أحمد رهنمائی 

الأستاذ المشارك، معهد الإمام الخميني للتعليم والبحث، قم، إيران. rahnamaei@iki.ac.ir

الملخص

تفتح التریبة المتعالیة من منظور الإسلام طریقاً مضیباً أمام الإنسان للوصول إلى مرتبة عبدة الله. العبادة هي الجوهر، وعمقها الإلهویة. السؤال هنا هو كيفية اختيار التریبة المتعالیة أهدافاً متسقة مع قدرة الإنسان علی عبادة الله، وعلى أي أسس، ومبادئ، ومعايير؟ في الرد علی هذا السؤال، تمت المساعي الأساسية استناداً إلى المناهج الفقهيّة، والفلسفیة، والعرفانیة، والكلامیة. في هذا البحث، تم اعتبار الفلسفة التعلیمیة والتربویة الإسلامیة من منظور جدید علی أساس الأسس، والمبادئ، والأسالیب، والأهداف، والمعايير الإلهیة كإطار نظري لتحليل الموضوع المطروح. استخدمت طريقة تحليل المحتوى عبر الرجوع المتكرر إلى القرآن والأحداث. بالإضافة إلى استكشاف الأهداف التعلیمیة والتربویة وفقاً للمعايير البصریة والمیول والسلوك، تم إعادة التعرف علی هذه الأهداف كمجموعة تتجاوز مع احتياجات المجتمع الإسلامی. تشير النتائج إلى أن عبادة الله بناءً علی الرؤیة الإسلامیة هي ذروة تفوق الإنسان. كلما كان الإنسان أكثر عبادة لله، كان أكثر فخراً وشرقاً. وهذه النقطة هي جوهر التریبة المتعالیة لتحقيق هدف رفیع، وستكون جميع الأهداف التعلیمیة والتربویة الأولیة والوسیطة قيمة عندما تتحقق الهدف النبیل وهو عبادة الله.

الكلمات الرئيسية: التریبة المتعالیة، الرفعة التعلیمیة، التعلیم والتربیة.

Goal-Finding of Transcendent Education Corresponding to Human Capacity for Servitude to God

Seyyed Ahmad Rahmani^{id}

Associate Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.
rahnamaei@iki.ac.ir

Abstract

Transcendent education from the perspective of Islam opens a clear path for humans to achieve the station of servitude to God. Servitude is a gem, the depth of which is lordship. The question is how transcendent education selects goals for servitude to God based on which foundations, principles, and criteria, consider human capacity. In response to this fundamental question, efforts based on jurisprudential, philosophical, mystical, and theological foundations have been made. In the present research, from a new perspective, the Islamic philosophy of teaching and education based on divine foundations, principles, methods, goals, and criteria has been considered as the theoretical framework for analyzing the discussed issue. The research method is content analysis, based on repeated references to the Quran and traditions. In addition to examining educational goals with three-dimensional perceptual-attitudinal-behavioral criteria, a more comprehensive set of such goals has been identified considering the criteria of Islamic community needs. The findings indicate that servitude to God, according to the Islamic perspective, is the pinnacle of human excellence. The more one serves God, the more dignified and honorable one becomes. This point underscores the significance of transcendent education in achieving the sublime goal of servitude to God, and all preliminary and intermediate goals of Islamic education will be of superior value when they lead to the realization of the ultimate goal, namely servitude to God.

Keywords: Transcendent Education, Transcendent Training, Teaching and Education.

Received: 2022/11/25 ; **Revision:** 2022/12/29 ; **Accepted:** 2023/01/22 ; **Published online:** 2023/03/23

Publisher: Teacher-Propagator Training Center of Seminaries
<https://tarbiatmotali.ismc.ir/>

Article type: Research Article
© the authors

